

پیام تجربه ملی ایران

استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران است

نشریه داخلی تهران بیست و نهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ خورشیدی شماره ۱۱۵

بنا خدایند جان و خرد

اعلامیه سه ماده ای جبهه ملی ایران

ملت شرافتمند ایران!

تزدیک به بیست و پنج سال پیش، در بهمن ۱۳۵۷، با یک دنیا آرزوی طلایی انقلاب پر جوش و خروش ایران به پیروزی رسید. هدف نهایی از این انقلاب، بهتر شدن اوضاع کشور، زهابی ملت از یوغ استبداد، پاک شدن نهاد های حکومتی از فساد و آزمندی و رفع تبعیض و انحصارگرایی بود، که فرصت پیشرفت کشور و سر بلندی ملت را در جامعه جهانی نوید می داد. برای امکان دستیابی به این آرمانها و هدفها بود که ملت ایران از دولت موقت انقلاب استقبال کرد، ولی دیری نپایید که یکباره صغی از صوف کشور، یعنی روحانیان، تر دستاره و یا اختلال در کار دولت، ارکان حکومت را تسخیر کرده و حاکمیت را یکسره به نام جمهوری اسلامی از آن خود کردند.

این صنف، که پیش از آن کارگزاران امور سیاسی را ظلمه می خواندند، زمام امور و تمسیت سیاست کشور را در دست گرفتند. در حالیکه از هیچگونه تدبیر سیاسی، شیوه اداره کشور و درک روابط بین المللی برخوردار نبودند. در نتیجه، افراد کارآمد و متخصص و با تجربه را به بهانه موهوم نداشتن تعهد و یا بعثت اشتغال به امور اداری در رژیم گذشته، از محیط کار و حتی تدریس دانش و هنر به دور کردند و همه قفل های حساس و پیچیده کارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به دست عده ای کم سواد و ناآزموده و چاپلوس سپردند.

نتیجه های بدست آمده و آزمایشی که در طول بیست و پنج سال به ظهور پیوسته است، به گونه ایست که برای همه روشن می باشد. فهرست مختصری از آنها عبارت است از:

- ۱- از جهت اقتصادی، سقوط چشمگیر ارزش زوال، تورم شدید، گرانی روز افزون، نزول طبقه متوسط به فقر و قشر فقیر به زیر صفر، صعود گروهی خاص به نام آفاژده ها و خودی ها به قله بلند ثروت، اسراف و تبذیر در بیت المال و هزینه های گزاف و تکراری برای تشریفات و تبلیغات خود بزرگ بینی ها.

- ۲- از جهت اجتماعی، اعتیاد گسترده و خانمانسوز به مواد مخدر، بویژه کتیری از جوانان، شیوع فحشاء، نبود امنیت و وفور فجایع و سرقت های مسلحانه همراه با قتل در پایتخت و شهرستانها، نادیده انگاشتن شهروندان سنی مذهب نسبت به شیعیان، فراهم ساختن فرصت برای ترویج دیدگاههای تجزیه طلبی مانند اندیشه پان ترکیسم و پان عربیسم، گریز مغزهای متفکر به خارج، رواج دین ستیزی در اکثر جوانان، مهاجرت میلیونها نفر تحصیل کرده به سراسر جهان، تبعیض و ترجیح بسود و وابستگان به حاکمیت در همه موارد.

- ۳- از جهت سیاسی، عدم اجرای آن اصول از قانون اساسی که بسود ملت و ضامن آزادیست، تقسیم شهروندان به خودی و غیر خودی، دو درجه ای کردن انتخابات مجلس شورا و ریاست

جمهوری به وسیله نظارت استصوابی شورای نگهبان، توقیف دسته جمعی روزنامه ها، ایجاد جو خفقان، تکفیر، ناپسامانی در سیاست خارجی و نداشتن موضع صریح و نامتناقض در موارد حساس سیاسی، از دست دادن فرصت های طلایی استراتژیک، خشونت به وسیله گروه های تنش، آنبوهی زندانیان، قتل های زنجیره ای پر شمار به عنوان گوناگون، فقدان امنیت برای شهروندان و تهدید آن بوسیله باندهای ناشناخته، کمک های مالی کلان به کشورها و برخی گروه های بظاهر هوادار جمهوری اسلامی، نگرش مراکز تصمیم گیری در اداره امور در سطح کشور، مصونیت نداشتن نمایندگان مجلس شورا و وکلای دادگستری، تعبیر هر نوع انتقاد از ناپسامانی دستگاه های اداری یا موضوعات دیگر به عنوان تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی.

- ۴- از جهت قضائی و اداری: شیوع فساد و رشوه خواری در ادارات، نا بهنجاری و خرابی قوه قضائیه و رواج رشوه ستانی، تشکیل دادگاههای اختصاصی برخلاف قانون اساسی، انحلال دادرها و زینهای شدید آن، به کار گماردن افراد بی صلاحیت در کارها و مشاغل مهم، صدور رای های غیر عادلانه و بی پروایه در دادگاهها، اینها که بطور اجمال نگارش یافت، بخشی از پاسخها می است که جمهوری اسلامی به انقلاب کنندگان

امیدوار و منزعج از حکومت دیکتاتوری سابق داده و، در نتیجه، این گونه عملیات برخلاف انتظار، مقبولیت و پذیرفت رژیم را زیر سوال برده است. آیا ملتی که با امید بهتر شدن وضعیت و رهایی یافتن از قید و بند استبداد، انقلاب کرد چنین انتظاراتی از خیزش خود داشت؟ در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، و نیز در دوره دوم آن، به علت نویدهای موهوم، کثرت آرای داده شده به وسیله مردم علی رغم حاکمیت بود، و در انتخابات شوراهای سال ۸۱، عدم استقبال مردم به جهت مخالفت با حاکمیت، زیرا امید مردم، به علت راکد ماندن اصلاحات، و عدم تحقق وعده های ویس جمهوری، به ناامیدی گراییده بود.

پیداست که تا چارچوب حکومت دینی به این متوال است و چرخهای حاکمیت پیرامون محور خود کاسگی می چرخد، هر گونه امید به بهتر شدن اوضاع بیهوده است و بیم آن می رود که نارضایتی عمومی، با توجه به سختی معیشت، نبود آزادی و بیگاری جوانان، کار کشور را به مراحل هولناک و غیر قابل پیش گیری بکشاند.

در روزهای اخیر، حمله امریکا و انگلستان، حزب منفور بعث و صدام حسین را سرنگون کرده و کشور ما را از تدام و تداوم بد اندیشی های او فارغ ساخته است. امریکا هم اکنون در

رفراندم چرا و چگونه؟

آقای مهندس عباس امیرانتظام عضو شورای رهبری جنبه ملی ایران با توجه به موضع گیریهای جنبه ملی از سال ۱۳۷۷ دفتر بر لزوم انجام یک همه پرسس بنیادین در راستای استقرار حاکمیت ملی به معنی وسیع آن برای سیردن حق تعیین سرنوشت و حق نظارت در تمامی زمینه‌ها و همه ارگانها و مسئولیت‌ها به ملت و نغی هرگونه ساختار تفصیلی و نظارت استصوابی و تکیه بر حکومت پارلمانی برگزیده مردم، در نوشته‌ای زیر عنوان "رفراندم چرا و چگونه؟" به تاریخ اول اردیبهشت ۸۲، به شرح یزوم انجام رفراندم و ویژگی‌های آن پرداخته است. ما در اینجا برای آگاهی هموطنان عزیز به نقل سه بخش از نوشته مذکور که در توجیه ضرورت انجام همه پرسس است می‌پردازیم:

الف- چرا رفراندم (همه پرسس)؟
رفراندم یک شیوه و روش مراجعه به آراء عمومی و افعال دموکراسی مستقیم در جهت شناسایی و حق تعیین سرنوشت و احترام به حق حاکمیت مردم میباشد. این حق در بیشتر اسناد بین المللی همچون منشور سازمان ملل، اعلامیه اعطای استقلال به کشورهای در ملتها، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مننی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی، پروژة قوانین و حقوق عام مربوط به آزادی و عدم تبعیض در زمینه حقوق سیاسی، منشور حقوق و تکلیف اقتصادی، قطعنامه های سازمان ملل، رویه دولتها و قوانین اساسی ملل متحد، افکار عمومی، نهادهای جامعه مدنی جهانی، به رسمیت شناخته شده است.

ب- ضرورت مراجعه به همه پرسس؟
مفهوم ابندی از قوانین بشری وجود ندارد و مردم بپوسته حق دارند ققون اساسی خود را مورد بازنگری قرار داده و یا آنرا اصلاح کرده یا کلا تغییر دهند. هیچ نسلی نمیتواند سلهای بعدی خود را ملزوم و تابع قوانین خود سازد. (اصل ۲۸ اعلامیه حقوق بشر و شهروندا) ۲۳ ژوئن ۱۹۷۲ و نیز سخنان آقای خمینی در بهشت زهرا سال ۱۳۵۷. ملت ایران به دنبال انقلاب سال ۱۳۵۷ از طریق رفراندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ حق طبیعی و مشروع خود در انتخاب نظام سیاسی و حق تعیین سرنوشت را به اجرا گذاشت. با گذشت بیش از ۲۴ سال از آن حضور تاریخی، باقت جمعیتی ایران بکلی دگرگون شده و نسل جوان آگاه و هوشمند و علاقمند به حاکمیت ملی اکثریت جمعیت ایران را تشکیل میدهند. این سرمایه عظیم انسانی و پشنوله مستحکم حاکمیت ملی در وعده گاه تاریخی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ حضور نداشت از طرف دیگر شرکت کنندگان در رفراندم سال ۵۸ تجربه و شناخت امروز خود از ظرفیتها و قابلیتهای قانون اساسی ۱۳۵۸ را نداشتند. از اینرو مراجعه به همه پرسس در راستای احترام به حق حاکمیت مردم و فراهم کردن زمینه های مشارکت فعال مردم در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است و توان و قابلیتهای ملی را برای ایجاد همبستگی بیشتر و تقویت پایه های حاکمیت ملی وسیع نموده، تعامیت ارضی، استقلال و یکپارچگی کشور ایران را در مقابل عوامل نهاید کننده و آسیب رسان بیمه میکند.

ب- چرا امروز (اکنون)؟
۱- مردم ایران و بخصوص نسل جوان که حضور فعال آن در زندگی سیاسی موجب شانزادگی و پویایی جامعه میباشد، و حتی مقامات و مسئولان نظام با بیانات و به شیوه های مختلف ضرورت انجام اصلاحات عمیق و سازنده برای رفع مشکلات اساسی جامعه و رفع موانع توسعه پایدار مستمر را مورد تاکید قرار داده اند. از آنجا که کارشناسان، صاحب نظران و نظریه پردازان مسائل اجتماعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نسبت به قابلیت و توانمندی ساختار سیاسی و نهادهای تعریف شده در قانون اساسی، نظرات متفاوتی ارائه داده و تعدادی از کارشناسان حل بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی موجود را در توسعه سیاسی، فرهنگی جامعه دانسته و مردم هوشمند ایران بعد از حضور فعال در چندین انتخابات با عدم استقبال از انتخابات شورای شهر نارضایتی و عدم اعتماد خود نسبت به روند اصلاحات هدایت شده بعد از جشش دوم خرداد را آشکار نموده اند.

۲- شرایط حساس منطقه که امکانی هرچه بیشتر حاکمیت به آراء، رضایت و اراده مردم و از بین بردن شکاف بین حکومت و مردم (که محلی برای حضور و مداخله عوامل آسیب رسان به استقلال کشور میباشد) را به یک ضرورت مبرم تبدیل نموده است.

۳- شرایط مساعد جهانی و حضور فعال افکار عمومی در دفاع از مردم سالاری، صلح جهانی، مقابله با خشونت و تروریسم و پشتیبانی و حاکمیت مردم در مقابل هر گونه مداخله خارجی فرصت تاریخی برای اثبات قابلیتها، توانمندیها و استعداد ملت ایران برای برقه یک الگوی ملی در تقویت بنیادهای دموکراسی (در منطقه و گاهش حضور و مداخله نیروهای فرامسطقه برای تاثیر گذاری در تصمیم سازیها) را فراهم آورده است.

بنابراین برگزاری رفراندم، فرصتی تاریخی برای ملت ایران میباشد که با تکیه به ارزشهای فرهنگی و دست آوردهای تاریخی، منقلب ترین الگو برای تحکیم حاکمیت ملی خود را فراهم آورد. همچنین ایجاد امکان همگرایی منطقی در رانشای منافع ملی با حاکمیتهای دیگر و تقویت جایگاه سازمان ملل در ایجاد مسئولیت خود از دیگر ااروینها میباشد. هر ناخبری در پاسخگویی منطقتی و منطقه ای این ضرورت تاریخی جز تحمیل هزینه سنگین به ملت ایران و مردم منطقه، نتیجه دیگری در بر نخواهد داشت.

همسایگی ما قدرتمندانه حضور دارد و معلوم نیست تا چه مدت در آنجا خواهد ماند. اکنون، با توجه به ناخرسندای های مردم ایران از حاکمیت کنونی و با سابق دشمنانگی ها با آمریکا و با عنایت به خوی جنگ طلبانه رییس جمهوری آن کشور و نظریات مهملی که درباره آینده خاورمیانه دارد، آیا درست است که ما به عنوان هراداری عراق که همواره با ایران دشمنی ورزیده و ارتش آن در خرمشهر و سرقاسر خوزستان و غرب کشور، از هیچگونه عملیات تجاوزکارانه و کشتار و غارت و تخریب کوتاهی نکرده است، آنقدر سنگ حمایت به سینه برنیم که دشمنی آمریکا را با خود دو چندان سازیم و منتهم به دخالت در آن کشور شویم؟ مردم کشی های صدام حسین یا بعماران های شیمیایی، آثار کشنده اش هنوز در جوانان ایرانی بازمانده از جنگ هشت ساله نمودار است، و هر چندگاه بیکرهای به خاک ناسپرده سربازان شهید و رشید ما در جنگ دسته دسته بسوی کشور سرازیر می باشد. ما برای عراق بیش از حد گریبان چاک می زنیم و نوحه سرایی می کنیم. از یک سو، شش سال از هشت سال جنگ با عراق را بیهوده ادامه دادیم و اندیشه تسخیر بغداد و جاهای دیگر را در سر می پروراندیم، از سوی دیگر، اکنون در پشتیبانی از آن کشور چنان زیاده روی می کنیم که به آمریکا، که به هیچ ضابطه ای پای بند نیست و چندین بار ایران را محور شرارت خوانده، برای آسیب رساندن به کشور خود بهانه دهیم. هواداری برخی دیگر از کشورها از عراقی بر سر منافع خود و به علت رقابتی است که برای بهره برداری خود با آمریکا دارند، نه به علت دلسوزی برای مردم عراق. بنابراین، ما هم باید فقط به مصالح و منافع ملی خود بیندیشیم و آنها را فدای هیاهوی ناعاقلانه نسازیم.

ملت شرافتمند ایران، ما با کمک رسانی به ملت عراق و دلسوزی نسبت به ستم هایی که بر سرشان رفته است موافقیم و آنرا وظیفه اخلاقی و بشر دوستانه خود می دانیم. ولی بر این باوریم که این موضوع نباید به گونه ای نمایش داده شود که، خدای ناخواسته، بر سر ماهمان آید که بر سر عراق آمد. ما در حالیکه هر گونه تجاوز نظامی به ایران را محکوم می کنیم، اعلام می داریم که با هیچ کس سر جنگ نداریم، و باید از سرنوشت صدام حسین و رجزخوابیهای بیهوده او عبرت بگیریم و پای جنگ را به ایران نکشاییم.

با در نظر گرفتن کلیه عوامل موجود و اوضاع و احوال کشور و روحیه ملت ایران، دیدگاه خود را به شرح زیر اعلام می کنیم و ایفای وظیفه ملی خود را به ملت ایران گوشزد می نماییم:

- ۱- آمریکا سبیزی و احتمالاً دخالت نابجا در امور عراق را، در شرایط حساس کنونی، با منافع ملی ایران همسو نمی دانیم.
- ۲- ما باور داریم که ساختار کنونی حکومت ایران باید بوسیله یک همه پرسس تغییر یابد و دموکراسی و مردم سالاری راستین در کشور برقرار شود.
- ۳- ما باور داریم که برپایه یک دیپلماسی خردمندانه و پویا در شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ائتلاف حاکم بر عراق، باید، کوشش شود تا نسبت به تعیین میران غرامت تجاوز عراق به ایران، که هم از سوی دبیر کل سازمان ملل متحد تأیید شده و هم تمامی اعضای دائمی شورای امنیت به آن اشاره و باور داشته اند، اقدام فوری صورت گیرد.

ما بیم آن داریم که اگر زودتر از فرارسیدن رویدادهای اجتماعی خطر ناک، در اندیشه تجدید نظر در روند اوضاع و نریات حکومتی نباشیم، فرصت از کف به در رود و پشیمانی را سودی نباشد.

هیئت رهبری، هیئت اجرایی و هیئت رئیسه شورای مرکزی جنبه ملی ایران، ادیب پرومند، مهندس عباس امیرانتظام، دکتر داود هرمیداس باوند، مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی، غلامرضا رحیم، مهندس کورش زعیم، دکتر خسرو سعیدی، حسین شاه حسینی، تیمسار بازنشسته ناصر فرید، منوچهر ملک قاسمی، هرمز ممیزی، مهندس نظام الدین موحّد، دکتر سید حسین موسویان، دکتر مهدی موید زاده، دکتر پرویز ورجاوند.

تهران، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۲

راهبرد برون رفت از بحران

هجوم آمریکا به منطقه نفتخیز خاورمیانه و اشغال نظامی کشور عراق در این روزها، سرآمد اخبار در مصاحبه تلویزیونی، نظریه سیاستمداران و رسانه های همگلی در جهان برده است.

بدون شک، این احتمال وجود دارد، دامنه گسترش این پدیده به کشور عزیزمان که به عنوان یکی از محورهای شرارت نیز نامیده شده است، سرایت ند.

در این شرایط، بهیچوجه شایسته نیست که آزادبخوانان، روشنفکران و شخصیت‌های ملی، نسبت به روند قضایا که مؤثر در سرنوشت تاریخی کشور میباشد، سکوت اختیار نمایند و در فکر برون رفت از این بحران نباشند.

بطور کلی باید گفت که حرکت تاریخی کشورمان پس از یک ربع قرن، تحمل سیاست پر تفرقه داخلی و روابط متزلزل خارجی، نیاز به یک بازنگری ضروری بصورت زیر دارد:

الف. در رویداد ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، از دست رفتن ترکیب عناصر اولیه و تصدی امور مهم اجرایی کشور بوسیله افراد بی صلاحیت که خود غالباً به ضعف کارآیی شان در حل مشکلات روز افزون شوری آگاهی داشتند و نقص و کاستیها را در بازسازی کشور موجب گردیدند و حرکت معقول تاریخ را به سوی پیشرفت و رفاه معطل گزاردند. از طرفی، نقش منحصر و حیاتی در کلیه امور شوری بدون توجه به اختلاف نظرهای اساسی دیگر کارکنان اجتماعی، فرجهای مناسب به منظور توافق اصولی در راه انداره کردن دموکراتیک جامعه از دست رفت و فشار حاصله از تحمیل یک بعد، از

ابعاد فرهنگ و هویت ملی روند تحول را از محتوای شرقی اش تهی ساخت.

همچنین با آغاز دوران ریاست جمهور برگزیده اخیر، نور امیدی در دل‌های پریشان و نگران درخشیدن گرفت. به امید آنکه ایشان با نقشی واقع نگرا نه و عادل خوانانه، کاستی ها را سامان خواهند داد. ولی لیک در میانه دوران دوم ریاست جمهوری، ملاحظه میشود که آن امیدها بر آورده نشده و نوبدها جامه عمل نیویخته است. این ناکامیها در عملکرد نشانه آنست که نظام برای پایه گذاری یک برنامه عملی دقیق آمادگی نداشته است.

ب. از آن مهتر، در جهت گیری سازندگی تصور میرفت زمینه لازم برای گسترش روابط بین المللی فراهم آید، ولی چنان که دیده شد ارتباط کشور با پاره ای از کشورهای غربی به ویژه آمریکا و حتی منطقه های همچنان خصمانه است و از این بابت فشارهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی فرولانی به ملت تحمیل میشود و این حقیقت را ثابت میسازد که سیاست خارجی کشور پیش از آنکه بر پایه لیدتولوژیکی قرار گیرد باید پازتابی از واقعیت های جغرافیایی و تاریخی و شرایط مستقر منطقه های و بین المللی باشد. تا از تزیای کتونی بیرون آید و پیش از این در حاشیه جهان بر تحول فعلی فرار نگیرد.

ج. درک این واقعیتها و شناخت تضادهای، بستگی به وقوف کافی نسبت به موضع حساس سیاسی - جغرافیایی کشورمان به ویژه در فضای بحرانی موجود بین المللی دارد تا با ریشه یابی معضلات داخلی و بررسی جو پیچیده منطقه ای و انعکاسها این مناسب به منظور رفع مشکلاتی که در مقابل

مصالح ملی مان سد عظیم بوجود آورده است فراهم آید. در این باره به یقین بار سنگین حل مشکلات، بر دوش همه ایرانیان، بویژه نخبگان تجربه اندوخته میباشد تا در شرایط فراهم آمده که مختصراً به تحلیل کشیده شد با پازنگری به متعادل ساختن تضادهای ملی و بین المللی بپردازند.

د. لیک در شرایطی که منتهای رهایی پائنه یکی پس از دیگری حکومت‌های پاینده

تک بعدی سیاسی را شکسته و مبارزات خود را در جهت آزادی و استقرار احزاب و قطب‌های متعدد، پی می جویند شایسته است در مقابل تبلیغات گسترده طرفداران حقوق بشر و رسانه های گروهی محافل بین المللی، کشور مانیز با شکل (مجمع هماعتگی نیروهای ملی) به عنوان اقلیت سیاسی، قضایی، اجتماعی ایران را بصورت الگوهای مستقر در اکثر کشورهای آزاد جهان پیش ببرد. لذا بدین لحاظ مصمم شلیم این شیوه تفکر را با سایر آزادیخواهان و عناصر ملی که تبلور چنین گروهی از میان آنان تصور است در میان گذارده شود تا شخصیتها و گروه‌های سیاسی بر اختلافات احتمالی مربوط به رویدادهای گذشته راه مورد عین بپارند، و با توجه به واقعیت‌های جاری، مسائل مبتلا به ملی و بین المللی را در گردهمایی های مجدد، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و با یاقتن هائل تاریخی های پدید آمده در مسیر حرکت رستین تاریخ معاصرمان و تنظیم طرح‌های راهبردی برای برون رفت از بحرتهای فعلی همگان را به پاری طلبند.

سر لشکر باز نشسته ناصر فرید

نامه ای به ریاست جمهوری

جناب آقای خامنه ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران! جنگ وقتی آغاز میشود که متفکران شکست میخورند. برای حفظ صلح از مغزهایمان استفاده کنیم زیرا تروسکی میگوید: شما شاید به جنگ علاقه ای نداشته باشید، اما جنگ به شما علاقه دارد! اخبار تعطیلات نوروز ۸۲ نه تنها فروپاشی بغداد و شعله ور شدن کشور عراق را به تصویر کشید، بلکه نیروهای نظامی بریتانیای کبیر نیز از تعارضات نظامی مشتعل بر تعدادی موشک ناقلی بی نصب نمائند. انسان با اتکاء به واقعیت میخواند تسامی تر زندگی کند و آرمان صلح، آزادی، عدالت، خرد و رفاه جمعی را تحقق بخشد.

اگر جنگ واقعیت محوری تمدن تسامی است باید پرسید، بر سر فروتنگی تسامی چه آمده است؟ و آیا آنچه که مشاهده میکنیم حاکی از خردورزی است؟ امروز بیش از هر زمانی به سلاحهای فکری تازه و نه از رده خارج شده قدیمی برای تأمین صلح نیاز مندیم تا شاهد جنگ مشابهی که هیچ انگیزه عقلانی ندارد و فقط نفرت را در بین جان آدمی جای میدهد در میهن خویش نیائیم.

تمدن امروزین بشر که با علم نیوتنی یعنی موتور بخار آغاز شد و به عقل صنعتی شهرت یافت با خود ارسطائی چند به همراه آورد که حقوق فردی، قرارداد اجتماعی، انتخاب رهبران با اراده و خواست مردم، نوگرایی ذهنی و سکولاریزم از آن جمله‌اند.

طنی دو قرن اخیر، سنت نیز سر انجام نوشت با اتخاذ شیوه هایی در خور زمانه، جایگاه جدید خود و با شرط عدم تجاوز به دستاوردهای تازه بشری حفظ کند، که وجود دربار پاپ اعظم، دلیلی است بر صحت این مدعا. توسعه مردم سالاری موضوع علم جدید، سیاست است که از طریق فسخ امتیازات اجتماعی با طبقاتی و قرار دادن کلیه مشاغل و پادشاه و فتنخارات در دسترس تمامی افراد جامعه صورت میگردد. مانیز در ایران تحولات مشابهی واقعی کرده و در استانه تقسیم قدرت سیاسی و اجتماعی بین تمامی بخشهای جامعه جدید، هستی، ولی، طبقه حاکمه مایل است که قدرت را همواره در انحصار خویش نگه دارد، زیرا از مزایای برخوردار است که قدرت به همراه میآورد و در نتیجه از شیوه هایی کم و بیش قاتونی با استبدادی و

عشو نیار استفاده میکند. باید بیداریم که سلطه اقلیت متشکل بر اکثریت فاقد شکل، تابلو سیاسی امروز ایران است و اگر دگرگونی سیاسی بشکل مسالمت جوانه صورت نگیرد بصرعت به سنتز سیاسی می انجامد.

میدانیم این تقسیم قدرت در اروپا نیز ساده صورت نگرفت که قتل عام پر دستت‌ها و جنگهای لاپتورن فقط بخشی از این تشوهای خونین را پوشش میدهد. اما در شرایط امروز جهان، به هیچ وجه ضرورت ندارد که با نادیده گرفتن آموزه های گرفتار بشری مانیز، یکبار دیگر، آنهم در فضای نیلخته از سلاحهای بسیار دقیق کشتار جمعی همچان هم افتاده و تیشه به ریشه استقلال و آزادی در حال ظهور و جمهوری متکی بر دین و ایمانمان بزنیب. اما هشدار که زمان بسی کوتاه و ناخبر بسیار ناگوار و خطر در کمین و جنگ و جنایت در راه است.

جناب آقای خامنه، بر آنها که این مطالب را نخورده و نمیدانند و هنوز با رویای برده داری و رعیت پروری زندگی میکنند، حرجی نیست، ولی شما که خوانده اید و می‌دانید، مسئولید نه فقط در برابر تاریخ و ملت خویش که در پیشگاه عدل الهی نیز، پس هر چه سریعتر اقدام کنید و بسیار جدی به هم لباس های تعامیت خود را بپوشید تا فهمید تعامیت که بخش داخلی مصائب در حال ظهور، فقط ناشی از زیاده طلبی و فزون خواهی ایشان است.

برای بازنگری و اصلاح قانون اساسی بر اساس فرآ فرزندمانی که میگوید: حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست، فرصتی کوتاهتر از یکسال در پیش رو دارید، چرا که فاصله بین جنگهای افغانستان و عراق نیز بیش از این نبود، انتخاب چنین تصمیمی نه تنها موجب رضایت عموم مردم ایران خواهد شد که بی تردید از حجم سایر اتهامات خارجی نظیر حمایت ایران از تروریسم و کوشش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی و ... خواهد کاست. زیرا در شرایط فعلی که اکثریت مردم فقط به دلیل لباس متفاوت از حضور در بسیاری مشاغل حساس و کلیدی کشور محروم هستند، به چه اطمینانی میتواند تکلیب های مکرر حاکمیت را باور کنند، چه رسد که صحت آنرا به دیگران منتقل نمایند. جناب آقای رئیس جمهوری، باور کنید که قبول بند و قرارد یک هموطن همکیش بحراتب ساده تر از جنگیدن یا تسلیم شدن در برابر آمریکاست.

هرمز معیری

شبکه «العالم» خلیج فارس را «خلیج العربی» مینامد!؟

یکی از اصیلترین خواسته های ملت ایران در انقلاب ۵۷ داشتن صدا و سیما ملی بود.

آنچه گذشت منجر به آن گردید که چون ابوهی یگر از خواسته های برحق ملت این امر نیز به فراموشی سپرده شود و تحریف گردد، تا جایی که این رسانه سخنگوی اقلیت اقتدارگرا و تمامیت خواه حاکمیت گردید و بودجه عظیم بیت المال که اختصاص به این رسانه داشته و دارد، صرف خط سازهایی فکری در چارچوب اهداف آن اقلیت گردید و در حقیقت تبدیل به رسانه غیر ملی شد. اما داستان به اینجا پایان نیافت. ساخت و پخش برنامه هایی چون هویت و چراغ که هدفی جز تخریب چهره های معتبر فرهنگی و سیاسی کشور نداشت، آن را به رسانه ضد ملی بدل ساخت. در ادامه همین حرکت، چندی پیش، شبکه العالم وابسته به صدا و سیما (رسانه هلمی که علیرغم بودجه های هنگفت کوچکترین توفیقی در جلب مخاطب داخلی نداشته است، اقدام به راه اندازی شبکه های بین المللی کرده است؟! در برنامه مصاحبه با یک لبنانی فضایی را در اختیار او قرار داد که وی بارها و بارها از خلیج همیشه فارس ایران با عنوان جعلی «خلیج العربی» یاد کرد و مجری مؤدب (!) هیچ واکنشی نشان نداد! بعدها نیز هیچ اعتراض و اعتدالی را شاهد نیوده ایم. باری پس از حمایت علنی از حکومت صدام حسین و از منافع عراق چشم ملت ایران به شاهکار جدیدش روشن گردید.

جبهه ملی ایران ضمن محکوم ساختن این حرکت کستاخته و متضاد با منافع مسلم ملی، از نهادهای قانونی خواستار محاکمه دست اندرکاران و برخورد شدید با آنان میباشد.

اگر چه کار بدستان قضایی و گماردگان امنیتی به قدری سرگرم سرکوب اندیشمندان میباشند که فرصت رسیدن به چنین مسائلی را ندارند؟! اما از نمایندگان خانه ملت و رئیس محترم جمهوری بر خوردی قاطعانه را انتظار داریم. و به کز اندیشان آژمند که چشم ناپاک به این نیاخاک دارند اعلام میداریم چنین تحریفهایی، راه به جایی نخواهد برد.

آنهايي که منافع ايران را در عراق نادیده میانگارانند

آقای رفسنجانی که عادت کرده ایم هر از گاهی در فضائی های ایشان را شاهد باشیم، کاش با توجه به پیشینه ای که از زمان مآدها تا کنون دارند (!)، توضیح دهند چطور یک کشور در تعامل صحیح با کشورهای همسایه هیچگونه منافعی نمیتواند داشته باشد؟ آیا نابخردی سیاست خارجی در زمان ایشان و پس از ایشان باعث نشد که ملت ما از تعلیمی صحیح در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... در آسیای مرکزی، ایران و شروان و افغانستان محروم گردد و راه برای کشورهای چون ترکیه و پاکستان بگشاید که هیچگونه سختی و پیشینه فرهنگی با کشورهای یادشده نداشتند؟

حال آیا قرار است سرنوشت ارتباط ما با عراق نیز اینگونه قلم بخورد؟ دوم آنکه، ایشان جایگاهشان را مشخص کنند که بر اساس چه جایگاهی، چنین بی محابا در سیاستهای داخلی و خارجی مداخله مینمایند. نهادهای مسئول نیز شفاف و صریح موضع خود را در قبال حق اظهار نظر ایشان از موضع رسمی بیان دارند.

هدف آمریکا کاهش قیمت نفت نیست

بازار و قیمت نفت در طول روزهای آینده، وابستگی زیادی به سیاستها و تصمیم گیری های اوپک خواهد داشت.

دکتر پرویز ورچواند سخنگوی جبهه ملی ایران در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) با بیان این مطلب، همچنین گفت که قیمت نفت در طول سالهای گذشته از مساله ارتباط مستقیم بین عرضه و تقاضای عادی که در مورد تولیدات دیگر مطرح است، خارج شده است. قیمت نفت در حال حاضر بیشتر تحت تاثیر مسائلی و رویدادهای سیاسی است و بطور طبیعی در قبال تحولات رخ داده در عراق، یکی از هدفهای اساسی آمریکا و انگلستان تسلط بر منابع نفتی این کشور خواهد بود.

وی با اشاره به استدلال برخی افراد در مورد سیاست آمریکا و انگلستان برای فشار بر اوپک و کاهش قیمت نفت، تصریح کرد: باید در نظر داشت که انگلستان و آمریکا هر دو دارای منابع نفتی هستند و حال با در اختیار گرفتن منبع پرتوان نفت عراق، به طور قطع تمام تلاش خود را برای کاهش قیمت نفت معطوف نخواهند کرد.

کاهش قیمت نفت به طور مستقیم به سود فرانسه و آلمان و دیگر کشورهای اتحادیه اروپاست که از نفت می بهره اند و در صورت خرید نفت با قیمت ایران، این کشورها قادر خواهند بود که حضور گسترده تری در بازارهای جهانی داشته باشند.

در شرایطی که یک نوع تقابل از نظر مسایل سیاست جهانی و دست کم در مورد جنگ عراق بین آمریکا و انگلستان از یک سو، و کشورهای قدرتمندی نظیر فرانسه و آلمان از سوی دیگر، بروز کرده، بازار و قیمت نفت در طول روزهای آینده وابستگی زیادی به سیاستها و تصمیم گیری های اوپک خواهد داشت.

ایشان با بیان این که در طول سالهای گذشته اوپک هیچگاه به یک تصمیم گیری و تقاضای قطعی برای کاهش سهمیه های اعضای خود دست نیافته و اعضای اوپک نیز در عمل هیچگاه سهمیه های تعیین شده برای خود را رعایت نکرده اند، تصریح کرد: یکی از عوامل تنزل بهای نفت آن است که اوپک به عنوان تولید کننده کلان، به خوبی قادر به کنترل بازار و تصمیم گیری درست در مواقع بحرانی نیست.

وی گفت: از سوی دیگر، کشورهای غیر عضو اوپک نظیر روسیه نیز مترصد به دست آوردن فرصت برای به دست گرفتن هر چه بیشتر سهم بازارهای نفت از طریق افزایش تولید خود هستند.

ورچواند با بیان این که حضور نفت عراق در بازار جهانی در دو تا سه ماه آینده تاثیر گذاری شدیدی را بر بازار نفت نخواهد داشت، خاطر نشان کرد: اگر چه تولید دوباره نفت عراق به عنوان یک شوک متفی برای قیمت نفت در بازار جهانی خواهد بود، اما اگر کشورهای عضو اوپک با ایجاد توافق، یک مکتبیزم کنترل کننده قوی را در درون خود شکل دهند، بدون شک خواهند بود که قدرت چانه زنی خود را در بازار این محصول بالا برده و در نتیجه قیمت نفت را در حدود ۲۲ و ۲۵ دلار حفظ کنند.

وی افزود: در غیر این صورت، آمریکا در عین حال که سعی خواهد کرد شرایط را در جهت مخالف منافع کشورهای اروپایی به پیش ببرد، برای تعدیل موضعگیریهای شدید جهانی و ایجاد ذهنیت مثبت در اتحادیه اروپا به سود خود ممکن است که برای مدتی برای کاهش قیمت نفت تلاش کند.

وی همچنین در رابطه با احتمال دبیرکلی ایران بر اوپک با تأکید بر اینکه با تغییر دبیر کل، تغییری در سیاستهای اوپک ایجاد نخواهد شد، افزود: دبیر کل اوپک باید در یک چارچوب خاص و با تقاضا و تعامل تمام اعضا حرکت کند و دبیرکلی اوپک برای ایران تنها از لحاظ پرستیژی مطرح است. زیرا ایران از بعد از انقلاب هیچ مسوولیت کلیدی را در این سازمان بر عهده نداشته و دلیل اصلی آن نیز مخالفتهای عراق و عربستان از یک سو و نیز عدم تمایل کشورهای عرب این سازمان برای دبیرکلی ایران بر اوپک بوده است.

به اعتقاد وی، حتی در صورت دبیرکلی ایران بر اوپک، ایران دیگر نباید به سیاست چالشی خود ادامه دهد، بلکه باید نشان دهد که در قالب یک سازمان جهانی، قدرت تعامل بیشتری را برای برخورد با کل مسائلی جهانی داراست. زیرا کسی به دبیر کلی اوپک اجازه نخواهد داد در درون این سازمان، پرخشگرانه موضع گیری و با تنها در قالب بیان شعار حرکت کند.

جنجال آفرینی گروه کاوه در سمینار دانشگاه پزشکی اصفهان

روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که مورد موافقت مقامهای مسئول قرار گرفته بوده آقایان دکتر پرویز ورجاوند، دکتر سازگار و دکتر شیرزاد (نماینده اصفهان) به سومین روز از مراسم "جمهوری اسلامی، فرصتها و تهدیدها" دعوت شدند. با اینکه قرار بر این بود که از ورود افراد غیر دانشجوی جلوگیری به عمل آید، گروهی غیر دانشجویی با جنجال وارد و در سالن با پلاکاردهای چاپ شده و چند تابلو نوشته منتشر شدند و جو پریهای خوبی بوجود آوردند که برای مدتی اجرائی برنامه به تأخیر افتاد. با اعلام نامه‌های سخنرانان و حضورشان در پشت میز سینما، نسبت به آنها ابراز احساسات پر شور شد. در جو ناآرام، آقای دکتر شیرزاد نماینده شهر آغاز سخن کردند و کوشیدند تا از شدت التهاب بکاهند و از اقلیت ویسته به گروههای فشار بخواهند تا تحمل شنیدن سخنان و سپس پاسخگویی را داشته باشند. هنوز جمله‌های آخرین ایشان پایان نیافته بود که نیروهای فشار تازه نفسی که گفته میشد با سه اتوبوس به محل دانشگاه آورده شده بودند. با شکستن شیشه‌ها و هجوم به درون تالار، بلوای تشدید بوجود آوردند. شماری به درگیری با دانشجویان پرداختند و شماری به میز سخنرانان حمله بردند و چند شیء سنگین را به سوی آنان، از جمله دکتر ورجاوند، پرتاب کردند که حضور به موقع و شجاعانه دانشجویان که سپر حفاظتی را شکل دادند مانع از مضروب و زخمی شدن دکتر ورجاوند، دکتر سازگار و دکتر شیرزاد نگردد. دانشجویان آنان را به جای امنی منتقل ساختند و درگیری میان گروه فشار که با تجهیزات کامل برای قدرت نمایی حضور یافته بودند با دانشجویان بیش از یک ساعت ادامه یافت.

احتمالا مشکل ممنوع الخروج بودن ورجاوند رفع خواهد شد

پرویز ورجاوند که چندی پیش از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شده بود، امروز به دادگاه مراجعه کرد. ورجاوند درباره علت احضارش به دادگاه به خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت: مباحث مطرح شده در دادگاه درباره فعالیت هامم بود، اما محور اصلی این گفتگو و احضار، درباره ممنوع الخروج بودن ۲۰ ساله ام بود که پس از آزادی از زندان در سال ۶۳ با آن مواجه بوده ام. وی با اشاره به اینکه به علت ممنوع الخروج بودن، نتوانسته است در کنگره های مختلفی در افغانستان و تاجیکستان و فرانسه و... شرکت کند، یادآور شد، با پیگیری که در این خصوص انجام گرفت و نامه ای که به ریاست جمهوری نوشته شده، به نظر میآید این مسأله از طریق ریاست جمهوری دنبال شده است و علت احضارم نیز در جهت رفع این مشکل بوده است. ورجاوند اظهار داشت: موضوع ممنوع الخروج بودنم از طریق دادگاه انقلاب پیگیری شده و استیضاح من این است که احتمال دارد دوران طولانی ممنوع الخروجی من با مسائلی که امروز مطرح شد، در مسیری قرار گیرد که این موضوع پایان یابد.

همه پرسشی نمادین دانشگاه همدان

دانشجویان دانشگاه همدان، هفته گذشته، در یک همه پرسشی نمادین به نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که توسط دولت موقت تهیه و به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، ولی در مجلس خبرگان اول بایکمی شد، رای دادند. دانشجویان دانشگاه همدان در یک referendum نمادین، با اکثریت ۲۸۹ قانون اساسی مذکور را که در شماره ۱۰۳ پیام جنبه ملی تحلیل و بررسی شده بود، به عنوان مناسب ترین قانون اساسی که می تواند به عنوان سند نظام و میثاق ملی، کشور را از در غلبیدن دویخبران عمیق، که پیچیدگی اوضاع سیاسی و اقتصادی داخلی و اتزوا و فشارهای خارجی بر آن افزوده، باز دارد.

بستن خانه فروهرها

در پی فشارهای بی حد به افرادی که به خانه فروهرها (خانه آزادی) رفت و آمد می کردند، در روز پخشیه ۷ اردیبهشت، بستگان آن شهیدان گرفتند، و نیز آقای خسرو سیف، دبیر کل حزب ملت ایران، به اداره اماکن نیروی انتظامی احضار شدند و به آنان هشدار داده شد که کسی نباید به آن خانه بیاید، و ویژه گردهمایی های روزهای پنجشنبه که دوستان و علاقمندان در آنجا حضور می یابند، باید متوقف شود. در نتیجه، خانه فروهرها به تعطیلی گشاده شد.

آیین بزرگداشت زادروز مصدق

یامداد روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت، پیش از یکصد نفر از اعضای جنبه ملی، از جمله اعضای شورای مرکزی جنبه ملی ایران، برابر با آیین همه ساله برای گرامیداشت این مرد بزرگ تاریخ ایران، به در احمد آباد رفتند و تاج گل بزرگی به شکل پرچم مقدس سه رنگ ایران روی آرامگاه او نهادند. با وجود محدودیت های شدید و هشدارهای حاکمیت، صدها نفر از اعضای سازمانهای سیاسی ملی دیگر و نیز هواداران جنبه ملی در شهرستانها در این آیین شرکت کردند. سخنران اصلی در مراسم، آقای حسین شاه حسینی، نایب رییس شورای مرکزی جنبه ملی ایران، بود که درباره دکتر مصدق سخنانی ایراد کرد.

سرانجام، در حدود ساعت هفت بعد از ظهر، شمار فراوانی از دانشجویان در برابر خوابگاه گرد آمدند و اعتراض خود را به این تجاوزگری بیشتر مانه اعلام داشتند. در این مراسم پیام کوتاه دکتر ورجاوند خوانده شد که با استقبال فراوان مواجه گشت و سپس دکتر سازگار و دکتر توسلی چند دقیقه ای به ایراد سخنرانی پرداختند که با اقبال مواجه گردید و مراسم در میان شور بسیار دانشجویان پایان پذیرفت.

رویداد روز چهارشنبه دانشگاه اصفهان را باید سر آغاز مرحله جدیدی از طرح حاکمیت برای برقراری جو فشار و خفقان گسترده به منظور ترساندن جنبش دانشجویی و ایجاد ترس در پیروزیون ملی خارج از حاکمیت به شمار آورد. حاکمیت که از درون و بیرون خود را از بدترین شرایط بحرانی من بیند، با توجه به اقبال جنبش دانشجویی به جریان ملی کشور از یک سو، و ناگزیر بودن به مذاکره با قدرتهای جهانی از سوی دیگر، بر آن است تا با اعمال قدرت و تشدید خفقان، خود را در درون قدرت بی چون و چرا معزق کند و آمریکارا و ادار سازد تا موجودیتش را به رسمیت شناخته در رفع اختلافها با آن به گفتگو بپردازد. پدیده ای که با توجه به مواضع اعلام شده انجامش دور به نظر میرسد. در پایان پیام کوتاه دکتر پرویز ورجاوند سخنگوی جنبه ملی که در گردهمایی وسیع دانشجویان پس از برهم زدن جلسه سخنرانی خوانده شد و با اقبال پر شور مواجه گشت را به آگاهی میرسانیم.

به نام خدایوند جان و خرد
با درود به همه شما عزیزان دانشجوی، پیوندگان راه آزادی و استقرار حاکمیت ملی و پاسداران راستین استقلال و یکپارچگی ایران زمین.
عزیزان، من به شما به اعتبار تلاشها و پامردی هایتان در راستای برپایی حکومت ملی مردمسالار در ایران درود میفرستم و از جریان فاجعه آمیزی که در نشست بعد از ظهر امروز در آن دانشگاه به وسیله عناصری شناخته شده به وقوع پیوست، لیر از تأسف میکنم. اینکه جمعی غیر دانشجوی و شمار کمی دانشجویی تحریک شده از سوی ارگانهای خاص چنان رفتار ناخردانه ای را در کانون دانشگاه از خود نشان دادند، پدیده دردناکی است که به حیثیت دانشگاه و فضای آزاد تابشی ویژه آن به شدت لطمه وارد ساخت. عزیزان من، از یاد نبرید که دستیابی به آزادی و استقرار حکومت قانون و حکومت جمهوری تمام عیار، راه نشواری مطلقه که شک نکنید به انجام رسیدن آن در توان شعار جنبش دانشجویی ایران است.
با توأمانی به راه و تلاش خود ادامه دهید و شک نکنید که خدای ایران یارو یاور شما خواهد بود.
دوستدار شما دکتر ورجاوند

اعلامیه جبهه ملی ایران
درباره بازداشت دوباره عباس امیر انتظام

به نام خداوند جان و خرد
هم میهنان آگاه و بیدار!
چنان که می دانید کار بدستان امنیتی وابسته به تمامیت خواهان حاکمیت، که ملت ایران با رفتارهای مدنی دست زد به سینه آنان زده است. در راستای تهدید و نیز تحدید آزادی های مصرح در اعلامیه حقوق بشر جهانی، که جمهوری اسلامی ایران نیز از امضاء کنندگان این منشور می باشد، مهندس عباس امیر انتظام را باز دیگر به دادگاه غیرقانونی انقلاب احضار کرده و با نادیده گرفتن مرخصی استعلاجی ایشان جهت درمان بیماریهایی که در طول فزون بر بیست سال زندانی کشیدن، گریبانگیرشان شده است، روانه زندانشان کرده اند.

مهندس امیر انتظام، عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، ثابت کرده است که تسلیم توبه نامه نویسی های گنجهان تی و بر نامه سازی های هویتی اناسی ها و لاریجانی ها نمی گردد؛ و به یقین، این باز نیز از این آزمون سرفراز بیرون خواهد آمد. از سوی دیگر، به فاصله سه روز، دکتر پرویز ورچاوند، سخنگو و عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار می گردد. این حوادث در حالی رخ می دهد که جبهه ملی ایران طرح مترقی همه پرسی تعیین نظام سیاسی را در شرایط بحرانی کنونی به عنوان یک راه حل اساسی جهت برون شد از بحران، یگانه ای ساختار یافته و تعریف شده، پی می گرفته است. چهار اعلامیه اخیر امیر انتظام نیز با این رویکرد همسو است.

از سوی دیگر، باید بررسی شود که چه دستهایی در طیف اقلیت حاکمیت، به دنبال آنند که در شرایطی که تهدیدات خارجی و اوضاع پر آشوب منطقه تمامیت ارضی میهن ما را به مخاطره افکنده است، بجای آنکه در پی همکاری ملی باشند، با اقدامات آزادی ستیز و ضد مردم سالاری بر بحران های داخلی کشور می افزایند تا، به تصور خودشان، موقعیت خود در یک فضای آشوب زده، حتی با پشتوانه قوه قهریه، تحکیم کنند، به راستی، به زندان افکندن حقوقدانان شجاع و عدالت خواهی چون دکتر زرافشان، دکتر دادخواه، یا نویسندگانی چون دکتر زیدآبادی، علیرضا جباری، و محکومیت های برخی دانشجویان، با کدام منطق که دغدغه منافع ملی را داشته باشد سازگار است؟ احضار نماینده محترم ملت، بی توجه به مصونیت پارلمانی، که تنها جرمش دل نگرانی نسبت به وضعیت نابسامان زندانیان سیاسی و مطبوعاتی است که گاه از ابتدایی ترین حقوق شهروندی و انسانی محروم می باشند، و یا احضار سخنگوی دولت که از هم میهنان گرانقدر کرد است، چه توجیه منطقی می تواند داشته باشد؟

جبهه ملی ایران
۱۳۸۲۰۵۱۱

عبرت روزگار

**بر باد رود هر آنچه استعداد است
محکوم به انهدام، چون بغداد است
ادیب برومند**

**آنجا که رهش طریق استبداد است
شهری که بود حاکم او چون صدام**

هم میهن!

گماردگان امنیتی و قضایی که به دور از ساختاری علمی، امروزه تنگاتنگ هم به فعالیت میبردارند نشان داده اند، نه سواد تاریخی، نه قدرت تحلیل سیاسی و نه توان عبرتگیری از وضعیت کشورهای همسایه را دارند. بیم آن میرود با سرکوب و شونت کور آنها و تعمیق یافتن شکاف ملت و دولت در بزرگراه تاریخی، مشکلاتی طاقت فرسا، تا مرز از هم گسیختن یکپارچگی میهن، گریبانگیر کشور شود و شما ملت دردمند و زیر فشار ایران بار دیگر تاوان خودکامگی آنان را بپردازید. پس بایید دست در دست هم نهیم و با رفتارهایی مدنی و از مجرای قانونی، خواستار دگرگونی های بنیادین در راستای استقرار مردم سالاری و حاکمیت ملی گردیم. باشد که نهادهای قانونی متکی بر رأی و حمایت مردم طرح رفرا اندم کلی را با نظارت حقوق بشر جهانی دنبال کنند.

جبهه ملی ایران

نشریه داخلی
پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

اعلامیه جبهه ملی ایران

درباره حکمهای غیرقانونی شخصیت های مبارز

بنام خداوند جان و خرد
ملت بزرگوار ایران،

به قدرت نشنگان حاکمیت باز دیگر نشان دادند که نه تنها هیچ اهمیتی به عقابیت این کشور در این دوران حساس و بحرانی و سرنوشت ساز نمی دهند، بلکه حتا قادر به درک موقعیت خود نیز در این شرایط نیستند و با دست خود قایقی را که بر آن سوارند سوراخ می کنند.

اعلام حکم های شدید و غیر انسانی، پس از بازداشت غیرقانونی و محاکمه غیر علنی و بدون حضور هیئت منصفه در تخلف اصل ۱۶۸ قانون اساسی، توسط دادگاهی غیر صالح، علیه پانزده نفر از خوشنام ترین مبارزان راه آزادی و مردم سالاری، نشان می دهد که جناح محافظه کار تندرو، پس از مدتی تردید، دوباره از یک احساس کاذب امنیت شغلی برخوردار شده است. اعزام مجدد امیر انتظام به زندان نیز موید این تصور است که با افزایش فشار و خشونت، حفظ مسند قدرت مطلقه آنان برای مدتی بیشتر امکان خواهد داشت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که جمهوری اسلامی نیز از امضاء کنندگان آن می باشد، در بند های ۱۹، ۲۰ و ۲۱، آزادی بیان عقیده را تضمین کرده و آنرا حق مسلم هر فرد بشمار آورده است. بنابراین، بازداشت و زندانی کردن کسانی که بطور مسالمت آمیز عقاید خود را ابراز می کنند، و تشکیل دادگاههای آنچنانی و صدور حکمهای شدید و غیر انسانی برای بوحشت انداختن و منصرف کردن مخالفان، نه تنها تخلف صریح از متناقضات بین المللی روابط بشری است که در قرن حاضر حفظ آنان از ضرورت های دهکده جهانی می باشد، بلکه می تواند آنان را همانند حکومت های سابق برخی کشورها هدف ششم جامعه جهانی قرار دهد.

جبهه ملی ایران به هر پانزده نفر شخصیت مبارزی که به عنوان چهره های ملی مدعی نوبتشان رسیده که مورد تهاجم حاکمیت قرار بگیرند، درود می فرستد و مطمئن است که شکست نهایی با بدخواهان آنان خواهد بود.

جبهه ملی ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۲